

مقایسه فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن در بوشهر با ارائه راهکارهای مدیریتی

فاطمه پولادی

کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

honar_2006_bu@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

بهرام دلگشایی

دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. bhrm delgoshaei@yahoo.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: هدف از این پژوهش با توجه به موقعیت فرهنگی استان بوشهر که یکی از مهمترین استانهای دارای فرهنگ غنی و اصیل می‌باشد و درگذشته به دلیل مروادات فرهنگی و تجاری با کشورهای بسیاری در ارتباط بوده است، برآیند فرهنگ این کشورها چه تاثیری بر فرهنگ بومی و تعاملات اجتماعی آن شهر باقی گذاشته است؟ مهمترین عوامل اختلاف موجود بین عناصر فرهنگی سنتی و مدرن چیست و چه شباهتهایی بین این عناصر موجود است؟

روش پژوهش: با استفاده از روش تطبیقی و تحلیل داده‌های ثانویه سوالات فوق مورد آزمون قرار گرفته اند. این پژوهش به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است روش کتابخانه‌ای شامل گردآوری اطلاعات و مطالعه تحقیقاتی که قبلاً صورت گرفته است می‌باشد. روش میدانی نیز شامل انجام مصاحبه و گردآوری داده‌ها از فرهنگ و باورهای افراد بومی و غیر بومی در بوشهر می‌باشد که فرهنگ سنتی حدود ۴۰٪ از فرهنگ و باور مردم استان و سهم کمی از فرهنگ قبل را به خود اختصاص داده است و فرهنگ مدرن حدود ۶۰٪ فرهنگ و باور مردم استان در سطح معنا داری تحت تاثیر نسل حاضر و جوانان قرار گرفته است و نسبت به گذشته افزایش یافته همچنین با ارائه راهکارهای مدیریتی می‌توان مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

یافته‌ها: جامعه آماری ما در این پژوهش مجموعه‌ای از فرهنگ و باورهای افراد بومی و غیر بومی در بوشهر، اشیاء فرهنگی، سازمانهای فرهنگی یا چیزهایی گفته می‌شود که حداقل در یک ویژگی فرهنگی مشترک باشند و پژوهشگر علاقمند است، یافته‌های پژوهش را به آنها تعمیم دهد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش حاضر، واژگان و آئین‌های بسیاری از کشورهای آفریقا و زنگبار، هند و انگلستان که وارد فرهنگ بوشهر شده است هنوز به قوت خود باقی است و سنت‌های بسیاری در طول زمان به دست فراموشی سپرده یا بسیار کم‌رنگ شده است نهادهایی چون پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، سایر نهادهای ذی ربط و پژوهشگران باید با بررسی و شناسایی این عناصر، آنها را ثبت میراث معنوی، احیاء و ابقاء نمایند.

واژگان کلیدی: سنت، مدرن، معیار، فرهنگ، مقایسه، تطبیقی، راهکار، مدیریت

مقدمه

اصولاً تصور این که فردی در جامعه بتواند بدون تکیه بر فرهنگ زندگی کند، محال می نماید. فرهنگ عام، دانستنی های توده، فرهنگ مردم، یا هر چیز دیگر که بنامیم شامل می گردد: با توجه به فرهنگ غنی بوشهر، به عنوان مثال آیین ها، آداب و رسوم، خوراک ها، موسیقی، معماری، شوره و عزاداری، تعزیه، ادبیات شفاهی مانند لالایی و غیره، آثار باستانی و جاذبه های طبیعی و تاریخی سواحل خلیج فارس و... چنانچه راهکارهای مناسبی برای توسعه این فرهنگ غنی و بومی تنظیم و اجراء شود، می توان به درصد بالایی از حجم این فعالیتها به صورت کاربردی دست یافت و سرمایه گذاری در این حوزه انجام داد.

بیان مساله

یکی از مهمترین عناصر فرهنگ بوشهر، چه به لحاظ سنتی و چه عناصر مدرن آن، این است که تاکنون به صورت یک جا و مقایسه ای مورد بررسی قرار نگرفته است و این پژوهش در این زمینه اولین گام مستقل از این نوع می باشد.

فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها در اثر روابط و پیوندهای تاریخی، اجتماعی، یا به واسطه وجود گرایشات، علائق، نیازهای روانی و تخصصی گروه های کوچکتری از افراد در متن نظام فرهنگی جامعه اصلی و بزرگتر به وجود می آیند و به چگونگی دامنه تحول و تکامل اجتماعی، پیچیده تر شدن و تنوع روابط و تقسیم کار بین اعضا یک جامعه جلوه می یابد.

به نظر بسیاری از صاحب نظران، فرهنگ بوشهری ها از پرمایه ترین و ناب ترین بخش های فرهنگ ایرانی است که بازشناسی آن هویت و وحدت ملی کشور ما را تقویت می کند.

اگر وجوه گوناگون فرهنگ را بشناسیم یقیناً یکی از آنها وجه شفاهی فرهنگ خواهد بود فرهنگ های شفاهی و از جمله آیین ها و سنت های محلی در آداب

بدون تردید، در هیچ دوره زمانی، یک قوم و یا یک جامعه بدون ارتباط با اقوام و جوامع دیگر، نمی توانستند زندگی مناسبی داشته باشند. مهمترین امر در این ارتباط، چگونگی شکل گیری فرهنگ ها می باشد. فرهنگ های تحمیلی و ناپدید شدن سنت های دیرین فرهنگی بوشهر لطمه جدی به پیکره فرهنگ این مرز و بوم وارد کرده است. از طرفی امروزه، فرهنگ یک سرزمین عامل غرور ملی، زنجیره تداوم حیات تاریخی و بقای یک جامعه در شرایط حال و بستر حیات آینده است. فرهنگ، انسان ها و جوامع را به گذشته تاریخی شان متصل و پویایی و تکامل حیات فعلی آن ها را تضمین میکند و چراغ روشنی بخش حرکت جوامع به سوی فضیلت ها، زیباییها، ارزش ها و هنجارهای انسجام بخش در آتیه خواهد بود. (صالحی امیری ۷، ۱۳۸۶)

برای درک این تفاوت ها باید از فرهنگ خودی قدرشناسی نمود. با درک درست از اینکه ما در چه جایگاهی قرار داریم و شناخت از مزیت های فرهنگ خودی در مقابل برخوردهای فرهنگی، یک راهبرد کلی در حل بحران فرهنگ در جامعه کنونی خواهد بود.

از آنجایی که سرزمین کهن ایران دارای فرهنگ و تمدن دیرپا، متنوع، گسترده و غنی است و بسیاری از سنتها، آیین ها، آداب و رسوم، ریشه در تاریخ کهن دارد و عناصر فرهنگی اقوام از سنت های ماست و سالها پیش، در اسناد و کتب باستانی ما متجلی است و این گونه عنصرهای فرهنگی در بسیاری از نقاط کشور پهناورمان هنوز رواج دارد و به صورت نسل به نسل نقل شده و باقی مانده، چنین می نماید که پرداختن به این موضوع و بررسی آن از اهمیت زیادی برخوردار است.

قلمرو فرهنگ عامه گسترده است ذهنیات هر فرد از باورها، آیین ها، سنت ها، ارزش ها، واژه ها، گویش ها، پندارها، اندیشه ها و سخن و ادب عامه انباشته است.

و رسوم و مناسبات اجتماعی خود معنا و مفهوم می یابند و در فرهنگ‌های نیمه توسعه یافته محلی و اقوام با تمامیت زندگی روزمره پیوند دارد، هیچ آیین و سنت مهمی بی همراهی فرهنگ سنتی و قومی برگزار نمی شود.

اجزاء و عناصر تشکیل دهنده یک فرهنگ که در زمان حاضر، در جای جای زندگی یک قوم نمودار و متجلی می شود، به دو دسته اصلی تقسیم می گردد:

الف. دسته اول:

این دسته، همان عناصر سنتی هستند که ریشه در گذشته آن فرهنگ دارند و با قدری دگرگونی و یا بدون هیچ تغییری به نسل حاضر سپرده شده و به عبارت بهتر، به عنوان میراث فرهنگی و سنتی به فرهنگ مدرن رسیده اند.

خیلی روشن است که مهمترین ویژگی یک فرهنگ سنتی، پایائی و مقاومت آئین‌ها مراسم و همه عناصر آن در برابر تغییرات سریع و بدعت‌های جدید است، به طوری که اجزاء آن میل شدیدی به ثبات و تغییرناپذیری دارند.

این طور به نظر می رسد که این مقاومت ناشی از کندی ارتباطات در دوران‌های گذشته بوده که خود به خود باعث کندی تبدلات فرهنگی بشر می شده است.

ب. دسته دوم:

عناصر مدرن هستند که هیچ ریشه‌ای در گذشته آن فرهنگ ندارند، بلکه تنها زائیده ویژگی‌های زندگی جدید می باشند مهمترین ویژگی فرهنگ مدرن سرعت ارتباطات است.

مسلماً ارتباطات سریع و آسان باعث می شود که انسان به راحتی در معرض افکار جدید و فرهنگ‌های بیگانه قرار بگیرد و در نتیجه در زندگی مدرن، برخلاف فرهنگ و زندگی سنتی عناصر فرهنگی به سادگی تغییر می کنند و در برابر تغییرات، مقاومت چندانی از خود نشان نمی دهند.

حال با توجه به این دسته بندی، باید دید که این فرهنگ اصیل و سنتی را با راهکارهای مدیریتی ثبت و با توجه به استعدادها بالقوه آنها را بالفعل کرد و به مرحله اجراء در آورد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

توجه به فرهنگ‌های بومی و محلی این سرزمین و حفظ این عناصر در جهت احیای فرهنگ کهن ایرانی مهمترین دلیل انجام این پژوهش بوده است.

اهداف پژوهش

الف. هدف اصلی: مقایسه فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن با ارائه راهکارهای مدیریتی در بوشهر

ب. اهداف فرعی:

۱. اجزاء و عناصر فرهنگ گذشته و سنتی مردم بومی بوشهر
۲. فرهنگ ساکنان کنونی بوشهر اعم از بومی و غیر بومی
۳. مرزهای مشترک فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن در بوشهر
۴. مرزهای اختلاف فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن در بوشهر

سوالات یا فرضیات پژوهش

الف. سوال اصلی: تفاوت‌ها و شباهت‌های بین فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن افراد بومی و غیر بومی بوشهر کدامند؟

ب. سوال یا فرضیه فرعی:

۱. چرا فرهنگ افراد بومی موجب اشتغال و ورود افراد غیر بومی به استان شده است
۲. اجزاء و عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن مردم بوشهر کدام است
۳. چه تفاوت‌هایی بین اجزاء و عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن مردم بوشهر وجود دارد

جامعه آماری: مجموعه ای از فرهنگ و باورهای افراد بومی و غیر بومی در بوشهر، اشیاء فرهنگی و سازمانهای فرهنگی در استان بوشهر. ابزارهای جمع آوری اطلاعات: مصاحبه از مردم بومی و غیر بومی ساکن و بررسی اسناد و مدارک تحقیقات پیشین.

پایایی (درجه دقت اندازه گیری) روش میل استفاده شد.

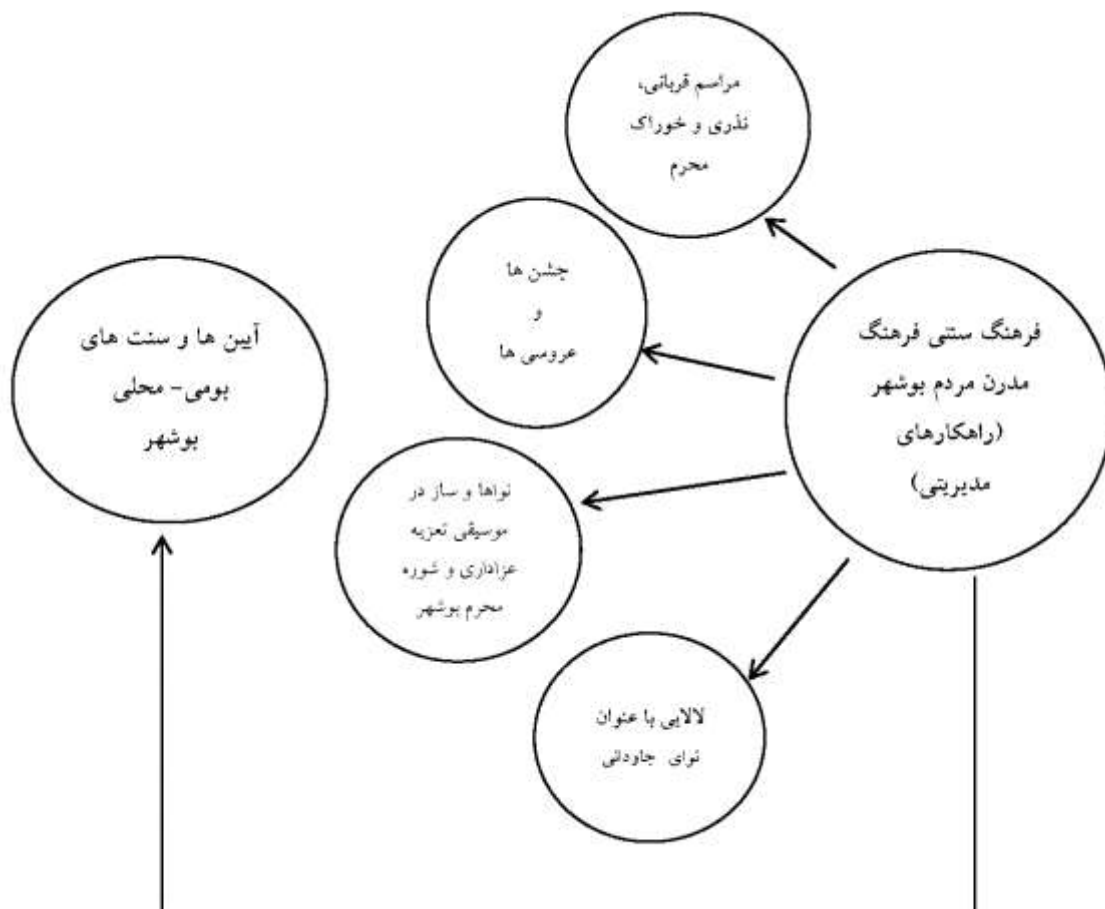
روش‌ها و ابزار و تحلیل داده‌ها: در این تحقیق اطلاعات با کمک (ابزار) نرم افزار SPSS و استفاده از روش‌های (تحلیل) آماری توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت.

۴. چه شباهت هایی بین عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن مردم بوشهر موجود است
۵. مهمترین عوامل اختلاف بین عناصر فرهنگی سنتی و مدرن چیست

روش پژوهش

تحقیق حاضر به دور روش کتابخانه ای و میدانی که شامل مصاحبه و گردآوری داده‌ها از فرهنگ است مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. و تکنیک تحقیق مقایسه ای می باشد، مهم ترین موضوع در این روش کنترل متغیرهاست. که امکان کنترل دقیق آن‌ها وجود ندارد. مقایسه دو گروه فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن گواه و مقایسه را تشکیل می دهند.

مدل مفهومی پژوهش



جدول ۱: نمونه ای از جدول تفکیک نمونه

جمعیت، اشتغال، مهاجرین	فراوانی	درصد فراوانی
فرهنگ سنتی افراد بومی	۹۳	۲.۶۱
فرهنگ مدرن افراد غیر بومی	۵۹	۸.۳۸
جمع	۱۵۲	۱۰۰

تحلیل آماری:

آمار توصیفی

۱. تفکیک نمونه بر حسب متغیر جمعیت
۲. تفکیک نمونه بر حسب متغیر اشتغال
۳. بررسی آمارهای توصیفی متغیر بیکاری
۴. بررسی آمارهای توصیفی متغیر کارکنان مراکز فرهنگی
۵. تفکیک نمونه بر حسب متغیر تحصیلات
۶. تفکیک نمونه بر حسب متغیر مهاجران و افراد وارد شده غیر بومی به تفکیک فصول در استان بوشهر

نتیجه: مهمترین شباهت فرهنگ سنتی و مدرن با توجه به بندری بودن و ارتباط تاریخی با دیگر اقوام و ملل بیگانه از طریق دریا و خشکی فرهنگ سنتی تنها از عناصر محصور داخلی ساخته نشده و عناصر دیگری که دارای منشاء بیگانه می باشند نیز در مجموعه پیچیده آن نقش مهمی دارند و به صورت فرهنگ خودی درآمده اند.

مهمترین تفاوت این دو فرهنگ با توجه به دو راه ارتباطی از راه دریا و خشکی و ورود افراد غیر بومی و مهاجرین به این شهر فرهنگ سنتی و عناصر اولیه فرهنگی این قوم در یک قرنطینه جغرافیایی فرهنگی به صورت یک گنجینه دست نخورده و بکر باقی مانده است در نتیجه در این شبه جزیره گاهی باعناصری مواجه می شویم که در هیچ جای ایران اثری از آن باقی نمانده است برای مثال مردم بوشهر در مورد مارمولک از کلمه کلبوک و در مورد پاره‌های ابراز کلمه دیسه استفاده می کنند که دارای ریشه باستانی بوده و در کمتر جایی مورد استفاده قرار می گیرد. ویا آیین‌ها و سنت‌های بومی بوشهر در جشن‌ها، عروسی‌ها و عزاداری‌های بومی - محلی بوشهر نیز بدینگونه است که فرضیه فوق تایید می‌گردد.

بررسی سوالات و فرضیات پژوهش



روش مقایسه ای میل

بررسی سوال و فرضیه اصلی پژوهش

تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن افراد بومی و غیر بومی کدامند؟

آزمون t یک جامعه

نتیجه	سطح معنی داری		درجه آزادی	آماره t	میانگین	تعداد
	حد بالا	حد پایین				
تایید فرضیه	۰.۷۳۷	۰.۶۵۴	۱۵۱	۳۲.۸۹۸	۳.۶۹	۱۵۲

نتایج سوالات و فرضیات فرعی پژوهش

سوال یا فرضیه فرعی:

۱. چرا فرهنگ افراد بومی موجب اشتغال و ورود افراد غیر بومی به استان شده است
 ۲. اجزاء و عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن مردم بوشهر کدام است
 ۳. چه تفاوت هایی بین اجزاء و عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن مردم بوشهر وجود دارد
 ۴. چه شباهت هایی بین عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن مردم بوشهر موجود است
 ۵. مهمترین عوامل اختلاف بین عناصر فرهنگی سنتی و مدرن چیست
- فرضیه اول:** چرا فرهنگ افراد بومی موجب اشتغال و ورود افراد غیر بومی به استان شده است.
- نتیجه: با توجه به بندری بودن شهر بوشهر و ارتباط با اقوام ملل داخل و خارج از طریق دریا و خشکی و عوامل دیگر فرهنگی از جمله زمینه اشتغال در بخشهای مختلف باعث هجوم ورود افراد غیر بومی به بوشهر شده و موجب گردیده حدود یک پنجم از شاغلان استان را غیر بومیان تشکیل داده اند که باعث ورود فرهنگ و افزایش جمعیت زیادی در این استان شده است
- فرضیه دوم:** اجزاء و عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن مردم بوشهر کدام است.
- نتیجه: عناصر فرهنگ سنتی بوشهر مراسم بزم عروسی سنتی، خیام خوانی، یزله، بیت خوانی، مراسم ساروج کوبی خرمن کشی، گارا، روش های درمان سنتی، خوراک و نذورات و قربانی، جشن های مذهبی، نام گذاری فرزندان، عید تهلو، مراسم عزاداری سنتی، گویش ها و غیره
- در جامعه جدید بوشهر با هجوم عناصر مدرن از بسیاری عناصر فرهنگ سنتی هیچ خبری نیست مثلاً مراسم عروسی دیگر شیوه و سنت مشخصی ندارد و

هرکس مراسم خودش را به صورت متفاوتی برگزار می کند نه شکل مشخصی برای لباس عروس و داماد وجود دارد و نه نوع غذای صرف شده از حالت خاصی برخوردار است سرود و ترانه ها به صورت نوار یا ارکسترهای جدیدی تابع هیچ رسم و شیوه ثابتی نیستند اداره می شود و غیره، که این عوامل نقش بسیار کمی در مورد عناصر فرهنگی نشان می دهد.

فرضیه سوم: چه تفاوت هایی بین اجزاء و عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن مردم بوشهر وجود دارد.

نتیجه: مردم بوشهر در گذشته در عزاداری ها مردان به دلیل هوای گرم به راحتی بدون زیر پیراهن به عزاداری می پرداختند ولی امروزه این کار را انجام نمی دهند کشاورزی در گذشته به شیوه سنتی انجام می شد ولی امروزه به شیوه جدید انجام می شود از سنت گارا نیز خبری نیست و امروزه از بین رفته است شیوه درمان سنتی و قابله یا مامای محلی در گذشته وجود داشت ولی امروزه جای آن را زایشگاه ها ی مدرن گرفته است در فرهنگ جدید سرعت انتقال اطلاعات و ارتباطات به نحو چشمگیری بفرهنگ مردم بوشهر گذاشته است که تغییرات زیادی وجود دارد.

فرضیه چهارم: چه شباهت هایی بین عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن مردم بوشهر موجود است.

نتیجه: مراسم دمام زنی و عناصر مهم دیگر مانند تعداد زیادی واژگان و اصطلاحات بیگانه که وارد گویش بومی بوشهری ها شده است مثل هوک (چفت و قلاب در اتاق)، لین (کوچه)، گلیر (دروازه بان)، بیس (قسمت اصلی و شاسی لنج)، منور (ناوجنگی)، اسکراب (تمیز کردن بدنه لنج) و غیره در فرهنگ، موسیقی و گویش محلی بوشهر تاثیر زیادی برجای گذاشته است و شباهت زیادی وجود دارد.

فرضیه پنجم: مهمترین عوامل اختلاف بین عناصر فرهنگی سنتی و مدرن چیست.

شده در این بخش فصلی بوده که نشان دهنده وضعیت موجود می باشد به همین دلیل سالانه این شهر پذیرای تعداد زیادی از افراد جهت اشتغال شده است که به شرح جداول ذیل است.

نتایج جمعیت شناختی آمارهای موجود در مدل:

الف- جمع آوری داده‌ها از طریق اسناد موجود:

۱- جمعیت:

جدول شماره (۱): جمعیت شهرستانهای استان بوشهر

در سال ۱۳۹۰

شهرستان	جمعیت	%
بوشهر	۲۴۷۷۰۶	۳۸/۹۲
تنگستان	۶۸۲۹۶	۵/۱
دشتی	۷۵۹۸۵	۱۱/۸
دشتستان	۲۲۴۸۸۳	۸/۹
گناوه	۸۸۷۹۷	۱۴/۰۴
دیلم	۳۱۱۹۳	۸/۹
دیر	۵۲۳۳۳	۱۰/۹
کنگان	۱۵۵۵۶۴	۱۳/۱۱
جم	۴۲۸۸۹	۹/۵

منبع: سالنامه آماری استان ۱۳۹۰

نتیجه: سرانجام مهمترین عوامل اختلاف برونی و درونی فرهنگ سنتی و مدرن سیالی بودن، اکتسابی بودن، انتقالی بودن، تکاملی بودن، اجباری و اختیاری بودن فرهنگ از یک طرف و از طرف دیگر مسلم بودن خاصیت فرهنگ پذیری، جامعه پذیری انسان از هم‌نشینان و هم نوعان و تعاملات انسانی و اجتماعی و مبادله و اشاعه فرهنگ بومی، سنتی و فرهنگ مدرن و چیستی سوال و فرضیه را تایید می نماید.

در مورد سوالات و فرضیات تحقیق می‌توان

تحلیل‌های ذیل را ارائه نمود:

۱- سوال و فرضیه اول: چرا فرهنگ افراد بومی

موجب اشتغال و ورود افراد غیر بومی به استان شده است.

فقدان تعامل و عدم انطباق فرهنگ افراد بومی با فعالیتهای فرهنگی و دیگر عوامل در جامعه جدید بوشهر باعث شده که با هجوم ورود افراد غیر بومی زمینه جذب برای شاغلین افراد غیر بومی در زمینه‌های مختلف کاری مختلف، شکل گرفته است و باعث شده که در حدود یک پنجم از شاغلان استان را غیربومیان در اختیار دارند و از طرف دیگر چون اشتغال ایجاد

جدول شماره (۲): ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و جمعیت استان از ۶۰ تا ۹۰

۱۳۹۰		۱۳۸۰		۱۳۷۰		جمعیت / سال
تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	
۸۵۸۰۵۰	۷۳/۵	۶۶۵۸۸۴	۶۴	۵۲۴۸۸۱	۶۷/۵	ده ساله و بیشتر
۳۰۰۵۶۰	۳۵	۲۵۴۸۷۶	۳۸	۲۱۴۷۴۵	۴۱	افراد فعال بومی و غیر بومی
۲۶۸۸۵۹	۸۹/۴	۲۱۱۸۸۴	۸۳/۲	۱۹۹۶۵۱	۹۳	افراد شاغل بومی و غیربومی
۳۱۷۰۱	۱۰/۶	۴۳۰۳۵	۱۶/۸	۱۵۵۹۴	۷	افراد بیکار بومی و غیربومی
۴/۳	-	۴/۹	-	۴	-	بار تکفل
۵۵۷۴۹۰	۶۵	۴۱۱۰۰۸	۶۲	۳۱۰۱۳۶	۵۹	افراد غیر فعال و اظهار نشده
۱۱۶۸۰۱۱	۱۰۰	۱۰۳۶۲۰۲	۱۰۰	۷۷۷۱۲۳	۱۰۰	کل

منبع سر شماری عمومی نفوس و مسکن (۷۰-۸۰)

۱۰۰ در دو دهه گذشته نسبت با چند سال قبل کاهش محسوسی داشته است، به طوریکه میزان بیکاری در سال ۸۲ نسبت به سال ۷۰ در حدود ۴۵ درصد کم شده است.

نرخ اشتغال فرهنگی هم عبارت است از تعداد جمعیت شاغل بومی به کل جمعیت فعال ضربدر ۱۰۰. با توجه به جدول (۵) از بین شهرستانها استان دشتستان، گناوه، بالاترین دیلم نیز پایین ترین نرخ فعالیت فرهنگی (جمعیت فعال ده ساله و بیشتر تقسیم بر جمعیت ده ساله و بیشتر ضربدر ۱۰۰ را دارند و نرخ فعالیت فرهنگی کل در استان برابر ۲۵/۷ می باشد. میانگین کل نرخ بیکاری در حوزه فرهنگی در استان برابر با ۱۰/۵ می باشد که دیر و کنگان دارای پایین ترین نرخ بیکاری در حوزه فرهنگی و جم و دشتی بالاترین نرخ را دارند جدول (۵).

با توجه به جدول شماره (۶) در سال ۱۳۷۵ تعداد ۵۰۴ نفر در مراکز فرهنگی استان مشغول به کار بوده اند که در حدود ۸۶/۵ درصد آنان دارای مدرک زیر دیپلم، ۱۲ درصد دیپلم و بقیه (۱/۵ درصد) نیز دیپلم به بالا هستند.

جدول شماره (۴): نرخ فعالیت های فرهنگی و

بیکاری در شهرهای استان سال ۱۳۷۰

شهرستان	فعالیت	نرخ بیکاری
بوشهر	۲۴/۹	۸/۴
تنگستان	۲۴/۶	۱۶/۴
دشتی	۲۴/۲	۱۳/۲
دشتستان	۲۷	۱۴/۱
گناوه	۲۷	۱۰/۲
دیلم	۲۲/۷	۱۱/۸
دیر	۲۴/۵	۱۵/۲
کنگان	۲۶/۵	۶/۱
جم	۲۶/۴	۶/۵
کل	۲۵/۷	۱۰/۵

منبع سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵

براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان بوشهر در سال ۱۳۹۰ دارای ۲۴۷۷۰۶ نفر جمعیت بوده است که شهرستان بوشهر با حدود ۴۰ درصد بیشترین جمعیت را نسبت به شهرستانهای دیگر در خود جای داده است.

جدول (۱) روند تغییرات جمعیت استان را در دهه های گذشته نشان می دهد که براساس آن جمعیت فعال استان در دهه ۱۳۸۰ نسبت به دهه های گذشته کاهش پیدا کرده است.

همچنین براساس همین جدول جمعیت بکار در دهه ۱۳۷۰، هفت درصد بوده است به یک باره در دهه ۱۳۸۰ به بیش از دو برابر رسیده است این رقم در دهه ۱۳۹۰ کاهش پیدا کرده و به ۱۰/۶ درصد رسیده است. (جدول ۲).

۲- اشتغال افراد بومی و غیر بومی در بخش های فرهنگی و اجتماعی استان:

جدول شماره (۳): نرخ اشتغال افراد بومی و

غیربومی در حوزه های فرهنگی، اجتماعی اقتصادی

و بیکاری از سال ۱۳۸۰ - ۱۳۷۰

سال	نرخ اشتغال افراد بومی و غیر بومی	نرخ بیکاری افراد بومی و غیر بومی
۱۳۷۰	۸۳/۱	۱۶/۹
۱۳۷۵	۸۹/۴	۱۰/۶
۱۳۷۶	۸۴/۶۱	۱۵/۳۸
۱۳۷۷	۹۲/۱۵	۷/۸۵
۱۳۷۸	۸۵/۹۹	۱۴/۰۱
۱۳۷۹	۷۸/۴۳	۱۲/۵۷
۱۳۸۰	۸۷/۰۵	۱۲/۹۵
۱۳۸۱	۸۷/۵۸	۱۲/۴۲
۱۳۸۲	۹۰/۸	۹/۲

سالنامه آماری سال ۸۲ استان

جدول شماره (۴) نشان می دهد که میزان بیکار افراد بومی جوای نام تقسیم بر جمعیت فعال ضربدر

جدول شماره (۵): تعداد کارکنان و شاغلان مراکز فرهنگی در سال ۱۳۷۵

شرح	زیر دیپلم		فوق دیپلم		لیسانس		فوق لیسانس و بالاتر		جمع کل	
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%
شاغلان مراکز فرهنگی	۴۳۶	۸۶/۵	۶۰	۱۱/۹	۵	۱/۹۹	۲	۳/۹	۵۰۳	۱۰۰

منبع: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی سال ۱۳۷۵

جدول شماره (۶): کارکنان دولت در استان برحسب وضعیت استخدامی در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۲

سال	میراث فرهنگی، جهانگردی			بقیه کارکنان			کل کارکنان				
	رسمی	غیررسمی	کل	درصد	رسمی	غیررسمی	کل	درصد	رسمی	غیررسمی	کل
۸۲	۳۰	۱۵	۴۵	۹٪	۳۵۷۲۳	۱۳۸۴۵	۴۹۵۶۸	۹۹/۹۱	۳۵۷۵۳	۱۳۸۵۰	۴۹۶۰۳

منبع: سالنامه آماری استان ۱۳۸۲

مراکز فرهنگی مراجعه و سپس در استان مشغول به کار و اقامت دائم گردیده اند، شهرستان بوشهر اختصاص دارد همچنین ۴۳ درصد از مهاجرین مقیم در فصل بهار به این استان سفر و کرده و اقامت کردند و از طرفی مشغول به کار شده اند.

جدول (۱۰) نشان می دهد که در حدود ۳۳ درصد از کل افراد غیر بومی و مهاجرین شهرستان بوشهر در فصل بهار به آنجا آمده و مابقی مهاجرین نیز تقریباً به طور مساوی بین سایر فصول تقسیم شده اند جدول شماره (۹) تعداد افراد غیر بومی و مهاجرین وارد شده به استان بوشهر به تفکیک فصول سال و شهرستان (۱۳۷۵)

شهرستان ها	تعداد مسافران				جمع
	بهار	تابستان	پاییز	زمستان	
بوشهر	۱۹۰۷۶۷	۵۰۲۵۶	۹۶۵۲۳	۹۲۷۸۵	۴۳۰۳۴۱
تنگستان	۷۴۲۳	۴۳۹۰	۳۶۲۹	۳۷۴۰	۱۹۱۸۲
دشتستان	۲۶۰۰	۱۷۰۰	۲۰۰۰	۱۲۰۰	۷۵۰۰
گناوه	۸۰۰۰	۴۵۰۰	۵۸۶۰	۳۱۵۰	۲۱۵۱۰
دیلم	۶۰۰۰	۵۲۰۰	۳۳۰۰	۳۱۰۰	۱۷۶۰۰
کنگان	۵۰۰۰	۳۰۰۰	۲۶۰۰	۲۲۰۰	۱۲۸۰۰
تعداد	۲۱۹۷۹۰	۶۹۰۴۶	۱۱۳۹۲۲	۱۰۶۱۷۵	۵۰۸۹۳۳
کل	۴۳	۱۴	۲۲	۲۱	۱۰۰

منبع: سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی ۱۳۷۵.

جدول (۷) نشان می دهد که از کل کارکنان دولت در استان بوشهر در سال ۸۲ فقط ۹٪ در بخش میراث فرهنگی و جهانگردی مشغول به کار بوده اند و جالب تر اینکه یک سوم از این تعداد را شاغلان غیررسمی تشکیل می دهند.

۲-۱- اشتغال فصلی افراد در حوزه های فرهنگی:

جدول شماره (۸) تعداد مهاجران یا افراد غیر بومی وارد شده به استان به تفکیک فصول مختلف (۱۳۷۵)

فصل	تعداد	%
بهار	۷۳۲۶۳۴	۴۳
تابستان	۲۳۰۱۵۳	۱۴
پاییز	۳۷۹۷۴۰	۲۲
زمستان	۳۵۳۹۱۶	۲۱
کل	۱۶۹۶۴۴۳	۱۰۰

منبع: سازمان میراث فرهنگی و جهانگردی ۱۳۷۵

با توجه به جداول (۸) در حدود ۴۳ درصد از مهاجرین و افراد غیر بومی وارد شده به استان (اقامتی و غیر اقامتی) در فصل بهار و بقیه نیز در سایر فصول به استان مهاجرت کرده اند و مشغول به کار شده اند.

با توجه به جداول (۹) در حدود ۸۵ درصد از مهاجرین و افراد غیر بومی وارد شده به استان که در به

جدول شماره (۱۰) توزیع فصلی افراد غیربومی و مهاجرین داخلی و خارجی
به مراکز فرهنگی در استان بوشهر (۱۳۷۹)

متغیر	بهار	تابستان	پاییز	زمستان	کل
داخلی	تعداد	۱۷۶۱۷	۲۰۵۹۵	۱۸۱۶۵	۸۴۵۸۴
	درصد	۲۰/۸	۲۴/۴	۲۱/۵	۱۰۰
خارجی	تعداد	۶۷۹	۴۲۲	۴۲۷	۲۲۴۶
	درصد	۳۰/۲	۱۸/۸	۱۹	۱۰۰
کل	تعداد	۱۸۲۹۶	۲۱۰۱۷	۱۸۵۹۲	۸۶۸۳۰
	درصد	۲۱/۱	۲۴/۲	۲۱/۴	۱۰۰

منبع: طرح جامع میراث فرهنگی و گردشگری استان بوشهر ۱۳۷۹

معلوم باعث ورود افراد غیر بومی به این شهر شده است.

۲- سوال یا فرضیه دوم: اجزاء و عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن بوشهر کدام است.

اجزاء و عناصر برجسته فرهنگ سنتی بوشهر: با توجه به بندری بودن شهر بوشهر و ارتباط تاریخی آن با اقوام و ملل بیگانه که همواره از طریق دریابه آسانی امکان پذیر بوده، فرهنگ سنتی بوشهر تنها از عناصر محصور داخلی ساخته نشده و عناصر دیگری که دارای منشاء بیگانه می‌باشند نیز در مجموعه پیچیده آن نقش مهمی دارند، بنابراین ما این عناصر را به بخش بومی و بیگانه تقسیم و بررسی می‌کنیم

با توجه به جدول شماره (۱۱) در حدود ۷۱ درصد از مهاجرین داخلی و خارجی شهرستان بوشهر فقط در فصل بهار به این استان آمده و ۲۰ درصد از کل مهاجرین نیز در فصل تابستان به این شهر وارد شدند اما سهم فصل‌های پاییز و زمستان بسیار ناچیز است. بنابراین اشتغال از یک طرف و تمامی نمادهای فرهنگی شهر بوشهر مانند: عناصر فرهنگی، نیروگاه اتمی، گاز پارس عسلویه و مراکز نفتی و معماری، شهرسازی و ساختارهای سازمان‌های اداره کننده در شهر بوشهر به ترتیب باعث گردیده که وقتی یک فرد خارجی وارد جامعه ما می‌شود، این تفاوت برای او مشهود بوده و احساس نماید در بطن این جامعه، شکل متعادل و زیبایی از یک حیات متفاوت در حال شکل‌گیری یک زندگی ایده ال با کار و شغل مشخص

جدول شماره (۱۱) توزیع فصلی مراکز فرهنگی در شهر بوشهر (۱۳۷۹)

متغیر	بهار	تابستان	پاییز	زمستان	کل
داخلی	تعداد	۹۴۵۱۱	۳۶۴۱۷	۴۲۰۶	۴۷۸۲۵۲
	درصد	۱۹/۸	۷/۶	۹	۱۰۰
خارجی	تعداد	۵۵۹	۵۰	۷۲	۲۳۷۹
	درصد	۲۳/۵	۲/۱	۳	۱۰۰
کل	تعداد	۹۵۰۷۰	۳۶۴۶۷	۴۲۷۸	۴۸۰۶۳۱
	درصد	۱۹/۸	۷/۶	۹	۱۰۰

منبع: طرح جامع میراث فرهنگی و گردشگری استان بوشهر ۱۳۷۹

الف. عناصر فرهنگی سنتی با منشاء بومی:

مهمترین عناصر بومی عبارتند از: مراسم بزم عروسی سنتی، خیام خوانی، یزله، بیت خوانی، مراسم ساروج کوبی، خرمن کشی، گارا، روش‌های درمان سنتی، روش‌های درمان خرافی، جشن‌های مذهبی، نام‌گذاری فرزندان، عید تهلو (عید تهلکی)، شروه خوانی، مراسم تشییع جنازه سنتی، مجالس ترحیم، مراسم عزاداری سنتی شامل سینه زنی و نوحه خوانی و تعزیه، مراسم چهارشنبه سوری، مراسم نوروز، ابزارهای کشاورزی، ابزارهای ماهیگیری و گلافی، زبان و گویش، بازی‌های محلی و بالاخره معماری سنتی.

در بزم عروسی به شیوه سنتی، دو شبانه روز پیاپی جشن و سرور برقرار بوده است. شب اول را «حنا بندون» می‌نامیده‌اند و در آن شب، مراسم پایکوبی و رقص و نوازندگی محلی تا صبح ادامه داشته است. دعوت از مردم و همسایگان از طریق زن سلمانی محل انجام می‌گرفته که این عمل را «طلبون» یعنی «دعوت» می‌نامیده‌اند (احمدی ریشه‌ری ۱۳۸۲، ۴۳:۱)

ب. عناصر فرهنگی مدرن در بوشهر:

در جامعه جدید بوشهر که با هجوم عناصر مدرن زندگی، شکل گرفته است، از بسیاری از عناصر فرهنگ سنتی هیچ خبری نیست.

مثلاً در مورد مراسم عروسی، می‌شود گفت که دیگر شیوه و سنت مشخصی وجود ندارد و هر کس مراسم خودش را به صورت متفاوتی برگزار می‌کند؛ نه شکل مشخصی برای لباس عروس و داماد وجود دارد و نه نوع غذای صرف شده، از ویژگی خاصی برخوردار است.

سرود و ترانه‌ها به صورت نوار آماده و یا به صورت ارکسترهای جدیدی که تابع هیچ رسم و شیوه ثابتی نیستند اداره می‌شود. دعوت عروسی هم با ارسال کارت دعوت انجام می‌گیرد.

۳- سوال یا فرضیه سوم: چه تفاوت‌هایی بین اجزاء و عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن مردم بوشهر وجود دارد.

با این تفاوت که بین اجزاء سنتی و فرهنگ مردم بوشهر در وضعیت ظاهری و پوشش عزاداران نیز تغییرات کمی مشاهده می‌شود. مثلاً در گذشته مردان به راحتی بدون زیر پیراهن به سینه زنی می‌پرداختند ولی امروزه دیگر با وجود هوای گرم این کار را انجام نمی‌دهند. مجالس ترحیم اموات نیز از چارچوب‌های ثابت قبلی خارج شده و تقریباً دچار بدعت‌هایی شده است

تشییع جنازه هم دیگر کمتر به شیوه سنتی بوشهر انجام می‌گردد، که یکی از علت‌های اصلی آن، تغییر ساختار جمعیت ساکنان بوشهر به نفع غیر بومی است.

در فرهنگ سنتی، شهر بوشهر به چهار محله قدیمی مستقر در بافت تاریخی بوشهر کنونی محدود می‌شده و محله‌های مختلف بوشهر جدید، در آن فرهنگ در حقیقت روستاهای شهر بوشهر بوده و فضاهای اطراف این روستا را تماماً زمین‌ها و مزرعه‌های کشاورزی احاطه می‌کرده است.

اما در عوض، تعداد زیادتری کارگاههای لنج سازی فلزی و فایبر گلاس و نیز شرکت عظیم صنعتی دریایی (صدرا) در بوشهر تاسیس شده که بیشتر بازار این کار را به خود اختصاص داده اند.

در فرهنگ جدید ترتیب دادن جشن تولد تقریباً همگانی شده و به صورت یک سنت و رسم جدید در آمده که البته در گذشته چنین رسمی در بوشهر وجود نداشته است.

در فرهنگ جدید ارتباطات و حمل و نقل بسیار ساده و سریع شده و از طریق خود روهای شخصی و عمومی و نیز هواپیما و یا کشتی های مسافر بری بزرگ صورت می گیرد.

تلفن ثابت و اخیراً موبایل و نیز تلویزیون، ماهواره، اینترنت و مطبوعات محلی و کشوری نیز بر سرعت انتقال اطلاعات و سرعت ارتباطات به نحو چشمگیری تاثیر گذاشته است.

در فرهنگ امروز مسئله آموزش عمومی و خصوصی جایگاه مهمی دارد، در حالی که در گذشته این موضوع مهم فقط محدود به مکتب خانه بوده و به شیوه آخوند مکتبی صورت می گرفته است.

در فرهنگ مدرن به دلیل وجود نیروی برق، شیوه تغذیه مردم نیز تغییر کرده و غذاهای جدید تولید و مصرف می شود.

انواع ساندویچ ها و غذاهای اروپایی در فرهنگ تغذیه مردم، جا پیدا کرده و غذاهای سنتی فقط به صورت تفننی مورد مصرف قرار می گیرد.

البته غذاهای سنتی دریایی هنوز در بسیاری از خانواده ها جایی برای خود دارند و مصرف می شوند.

برخی غذاهای خارجی مثل پکورا /pokowrā/ هندی مصرف عمومی پیدا کرده است که البته در فرهنگ سنتی نیز وجود داشته اند ولی در فرهنگ مدرن از پتاه چاپ هیچ خبری نیست.

در این مزرعه ها، درخت های انگور و انجیر، به شیوه ای نادر، کاشته می شد و سبزیجات و غلات به بار می آمد.

اما امروزه در این شبه جزیره، دیگر هیچ خبری از کشاورزی نیست؛ بنابراین از سنت گاراهم خبری نیست. تنها چیزی که هنوز به تعداد انگشت شماری وجود دارد، همان کهره انگوری و چاه انجیری است که در منطقه سرتل که زمانی یک روستای مستقل بوده، باقی مانده است (منصوری زاده، بلادی و شمس الدینی ۱۳۸۰، ۶۵).

شیوه درمان سنتی نیز خیلی کم رنگ شده، ولی هنوز افرادی به نام بیتال /beytāl/ وجود دارند که به کار جا انداختن دست و پای در رفته و پیچیده مردم شهر مشغول می باشند (منصوری زاده، بلادی و شمس الدینی ۱۳۸۰، ۳۴)

از قابله یا مامای محلی دیگر هیچ خبری نیست و جای آن را زایشگاه های مدرن گرفته است.

مراسم چهارشنبه سوری سنتی، بیشتر جنبه خرافی و نیز مذهبی داشته و در پایان ماه قمری صفر و نه در آخر سال شمسی، انجام می شده و نام آن مراسم "صفر کدر" /sefer_e kedar/ بوده است.

مردم ماه صفر را بدشگون می دانستند و در آخرین چهارشنبه صفر کوزه های را برمی داشتند و آن را می شکستند و به دریا می انداختند، تا به این ترتیب نحوست این ماه را از خود دور کنند و به دریا بریزند.

اما امروزه چهارشنبه سوری بیشتر به شکل ایرانی آن یعنی در آخرین چهارشنبه سال و در اواخر اسفند ماه انجام می شود و مردم بر روی آتش می پرند و سرود می خوانند.

گلافی هم تنها به شکل محدودی وجود دارد و چند کارگاه گلافی کوچک، هنوز در برخی از شهرهای بندری استان مشغول ساختن لنج های چوبی هستند.

ب. تغییر پذیری سریع و عدم پایداری عناصر فرهنگی جدید:

تردیدی نیست که ارتباط فرهنگها، یکی از عمده ترین عوامل تاثیر متقابل آنها بر یکدیگر و نهایتاً تغییرات آنها به حساب می آید.

در میان ساکنان جدید بوشهر نیز موضوع به همین صورت است مبادی فراوان ارتباطی و آسانی این ارتباطات، موجب تغییر پذیری سریع عادت های جمعی مردم و به عبارت دیگر موجب ناپایداری عناصر فرهنگی جدید گردیده است (گیدنز، ۱۳۷۴، ۳۲).

برای مثال اگر شیوه ظاهری لباس پوشیدن را یکی از عناصر فرهنگی بنامیم، بلافاصله متوجه می شویم که این عنصر به شدت ناپایدار و دائماً در حال تغییر است، هر از چند گاهی مثلاً رنگ خاصی مورد توجه قرار می گیرد و یا به کنار گذاشته می شود و یا نوعی کفش خاص مورد استقبال قرار می گیرد و یا شیوه آرایشی مخصوصی برای پسرها و یا دخترها در همه جا رایج می شود همه اینها نشان می دهد که عناصر فرهنگی مدرن بر خلاف فرهنگ سنتی، به شدت تغییر پذیر، سطحی و ناپایدار می باشند.

۴- فرضیه چهارم: چه شباهت هایی بین عناصر فرهنگ سنتی و فرهنگ مدرن مردم بوشهر موجود است.

مهمترین شباهت های بین عناصر فرهنگ سنتی که دارای منشاء بیگانه یا فرهنگ مدرن می باشد مبادی ارتباطات فرهنگی بومیان با اقوام بومی و بیگانه در گذشته شبه جزیره بوشهر که به خاطر وضعیت باتلاقی گلوگاه مسیله، در گذشته بستر به جزیره ای شبیه بوده؛ از یک طرف دارای امکانات ارتباطی آسان از طریق دریا بوده و از طرف دیگر، از راه خشکی راه ارتباطی بسیار صعب العبوری داشته که به دلیل وجود ارتفاعات بلند

پوشاک مردان و زنان شکل اروپایی پیدا کرده و از پوشاک سنتی دیگر خبری نیست. این پوشاک برای مردان بیشتر همان شکل معیار سراسر کشور است و برای زنان نیز، به ویژه پس از انقلاب اسلامی استفاده از چادر و مانتو و اخیراً روسری ها و مانتوهای دارای طرح های جدید رایج شده که باز هم صورت معیار سراسر کشور را دارد.

در فرهنگ مدرن بوشهر، معماری سنتی بسیار سازگار با شرایط اقلیمی شهر، به طور کامل به دست فراموشی سپرده شده و جای خود را به معماری مدرن داده که البته هیچ تناسب و سازگاری با شرایط طبیعی و آب و هوای محلی بوشهر ندارد (پولادی، ۱۳۸۱، ۱۲).

الف. مبادی ارتباطات فرهنگی ساکنان کنونی بوشهر با اقوام بومی و بیگانه:

ساکنان کنونی بوشهر به ویژه نسل جوان، دائماً و از راه های فراوان، در معرض ارتباط و تماس فرهنگی با اقوام بومی و بیگانه می باشند. دنیای امروز، دنیای ارتباطات است و شبه جزیره بوشهر نیز نمی تواند از این پدیده جدا افتاده باشد.

آسانی و سهولت مسافرت دیگر اقوام به بوشهر و مسافرت بوشهری ها به جاهای دیگر، دسترسی آسان مردم بوشهر به مطبوعات سراسری و حتی خارجی، کتابهای نوشته شده و ترجمه شده، استفاده از اینترنت، فیلم ها، سریال ها و برنامه های تلویزیونی داخلی و دوبله شده، برنامه های متنوع رادیویی، ابزارهای ارتباطی مثل تلفن همراه، استادان و معلمان غیر بومی که در بوشهر مشغول تدریس می باشند و بسیاری عوامل دیگر، همه و همه از جمله مبادی ارتباط فرهنگی بوشهری های امروزی با همه اقوام و فرهنگهای غیر بوشهری است. ماهواره و پیامهای صوتی و تصویری آن نیز در این مورد از اهمیت و تاثیر زیادی برخوردار می باشد.

در مراسم دمام زنی از پنج یا هفت عدد دمام و یک عدد بوق مخصوص و چند عدد سنج کوچک برنجی استفاده می‌شود. یکی از دمام زن‌ها که نقش هدایت کننده گروه دمام زنان را دارد به نام «اشکون زن» شناخته می‌شود.

همچنین برخی واژگان و اصطلاحات بیگانه دسر و دماهای یزله عبارتند از:

سیریا سیریا siriya siriya

هیل الیوس هیل یوسا hele yowsā ws.helel yo

هیل جمبسیا he:le jombeyas

در ضمن واژه‌های بیگانه به تعداد زیادی درگوش محلی بوشهر رایج است؛

به عنوان نمونه:

تیم [teym] یعنی وقت = time-انگلیسی

هوک [hūk] یعنی چفت و قلاب در اتاق = hook- انگلیسی

لین [leyn] یعنی کوجه یا سمت و جهت = lane یا line -انگلیسی (احمدی ریشه‌ری ۱۳۸۲، ۱:۱۵)

جک [jak] یعنی پارچ آبخوری = jug- انگلیسی

بیس [bi:s] یعنی قسمت اصلی و شاسی لنج = base- انگلیسی

گلیر [goleyr] یعنی دروازه بان = goaler- انگلیسی

نبت [bolt] یعنی مهره پیچ، سرب ماهیگیری = bolt- انگلیسی

سلیت سلیت [seleyt] یعنی قاج قاج = slice- انگلیسی

[manvar] منور یعنی ناو جنگی = "man of war"- انگلیسی

[teyt] تیت یعنی سفت و محکم = tight- انگلیسی

[bālul] بالول، یعنی هواپیما = balloon- انگلیسی

[veyles] ویلس، یعنی بی سیم = wireless- انگلیسی

[tomāte] تمانه، یعنی گوجه فرنگی = Tomate-

[petāte] پتانه، یعنی سیب زمینی = potato- انگلیسی

[leyzi] لیزی، یعنی تنبل = lazy- انگلیسی

زاگرس و گردنه‌های خطر ناک آن، کار ارتباط زمینی را مشکل می‌کرده است.

خود مسیله نیز مزید بر علت بوده و اغلب موجب قطع ارتباطات زمینی شبه جزیره با داخل کشور می‌گردیده است.

حالا خیلی واضح است که این دو عامل، باعث به وجود آمدن شرایط خاص فرهنگی در این شبه جزیره خواهد شد، به طوری که برخی عناصر فرهنگی شبه جزیره بوشهر، تحت تاثیر فرهنگ‌های بیگانه مستقر در آن سوی دریا قرار خواهد گرفت.

و از سوی دیگر عناصر اصلی و اولیه فرهنگی این قوم، در یک قرنطینه جغرافیائی- فرهنگی، به صورت یک گنجینه تقریباً دست نخورده و بکرباقی خواهد ماند.

به هر حال ساکنان بومی بوشهر، از راه ارتباطی دریا، ابتدا با فرهنگ‌های آفریقائی، هندی و عربی و سپس در دو قرن اخیر، با فرهنگ کشورهای غربی و اروپائی مثل پرتغال، هلند، بریتانیا، امریکا و آلمان آشنا شده اند.

از راه خشکی نیز مردم بومی بوشهر، بیشترین و آسان ترین تعامل و ارتباط را از طریق جنوب شبه جزیره بوشهر، با ساکنان تنگستان، دشتی و سایر بومیان نیمه جنوب شرقی استان داشته اند.

مراسم دمام زنی است و عنصر مهم دیگر تعداد زیادی واژگان و اصطلاحات بیگانه است، که وارد گویش بومی بوشهری‌ها شده است.

دمام ظاهراً توسط سیاهان آفریقائی که به صورت برده و غلام خریداری شده و توسط بازرگانان بوشهری به این شهر می‌آمده اند، وارد فرهنگ بوشهری‌ها شده است و ظاهراً با همان ریتم آفریقائی نیز نواخته می‌شود که برای شنوندگان هیجان زیادی ایجاد می‌کند.

از دمام در مراسم عزاداری سنتی و قبل از سینه زنی استفاده می‌شود.

وضعیت اقلیمی در نوع پوشش، در رنگ چهره‌ها، در خصلت‌های رفتاری، در مناظر شهری به ویژه در مناطق زلزله خیز و طوفان خیز تأثیر گذار است. رسانه‌های برون مرزی- مانند ماهواره، اینترنت، رادیو، تلویزیون، کتاب و مطبوعات- از بس فراگیر بوده که مرزهای جغرافیایی کشورها، لایه‌های طبقات اجتماعی، قشربندی‌های نژادی، حصارهای خانواده، دیوارهای شهرها، حریم خصوصی و شخصی فرد را در نوردیده است و از طریق القای مدگرایی، مصرف‌گرایی، الگوسازی فرهنگی، عناصر فرهنگ موجود جامعه در معرض تحوّل و تغییر قرار می‌گیرد. حمل و نقل کالا، مبادلات اقتصادی، ورود تکنولوژی، ورود دانش‌های مصرفی در جامعه سبب ساماندهی مؤلفه‌های جدید فرهنگ در جامعه می‌گردد. مهاجرت و مسافرت یکی از شایع‌ترین روش فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری در روابط فرهنگی برشمرده می‌شود بدین طریق اغلب دولت‌های قدرتمند صنعتی و توسعه یافته‌ای که مهاجر می‌پذیرند از این ابزار مذکور در جهت همانندسازی، یکسان‌سازی و انطباق‌گرایی (مرکز‌گرا) خرده فرهنگ‌های متعارض مهاجرین کشورهای مختلف، با شیوه‌های فرسایشی چون؛ «اختلاط نژادی» از طریق ازدواج متقابل، «ادغام و ترکیب ساختار اجتماعی آنان» به وسیله‌ی توزیع جغرافیایی، «ایجاد محدودیت‌های قانونی» مانند ممنوعیت حجاب در فرانسه و... استفاده می‌نمایند. با این بیان تعاملات اجتماعی، اقتصادی و علمی مهاجرین با فرهنگ کشورهای میزبان سبب فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری آن گردیده و با ورود به کشور متبوع برخی عناصر فرهنگی وارداتی وارد کشور می‌شود. در گذشته اغلب دانشجویان و محققین جامعه تحصیلات عالی و تخصصی خود را در کشورهای بیگانه می‌گذراندند و پس از بازگشت علوم غیربومی، الگوهای کاری، شغلی، نگرش‌های زندگی، خانوادگی و... را وارد کشور می‌کردند و نیز منشأی

[sowjer] سال سوجری، یعنی سال اشغال بوشهر توسط سربازهای انگلیسی = soldier- انگلیسی
[armāli] آرمالی، یعنی گمد قابل حمل - احتمالاً هندی]
(پولادی ۱۳۸۰، ۴)
[jetti] جتی، یعنی اسکله = jetty- انگلیسی
[boye] بویه، یعنی چراغ دریائی = buoyi- انگلیسی
[feyl] فیل، یعنی مردود = fail- انگلیسی
[espiyārt] عهد اسپارت، یعنی دوره پلیس جنوب ایران = (S. P. R.) South Persian Rifles - انگلیسی
[eskerāb] اسکراب، یعنی تمیز کردن بدنه لنج = scrub- انگلیسی
[šufēr] شوfer، یعنی راننده شخصی = chauffeur- فرانسه
[hafiz] هفیز، یعنی دفتر کار، اداره = office- انگلیسی
درفرنگ سنتی بوشهرغذاهائی مثل پوکورا [pokowrā] و پتانه چاپ [petāte-čāp] وجود داشته که منشاء هندی داشته اند.

۵- فرضیه پنجم: مهمترین عوامل اختلاف بین عناصر فرهنگی سنتی و مدرن چیست

درمباحث قبل بیان شد که متغیرهای فرهنگ دارای کاربرد فراوانی در زندگی اجتماعی است. اما تغییرات فرهنگ یک امر ذاتی و خود جوش نیست بلکه از درون و برون در معرض تحوّل و دگرگونی است به ویژه ارزش‌ها و هنجارهای اعتباری و قراردادی که توسط عرف جامعه شکل گرفته‌اند.

از این رو در این قسمت به دو نوع متغیر «برونی» و «درونی» فرهنگ به صورت اجمالی اشاره می‌شود.

اول - متغیر برونی:

انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان متغیرهای برونی فرهنگ را این گونه فهرست نموده‌اند؛ مانند وضعیت اقلیمی، جغرافیایی، سوابق تاریخی، مهاجرت برون کشوری، مسافرت‌ها و رسانه‌های برون مرزی و... مثلاً

تئوری پردازی‌هایی که در عرصه‌های مختلف کشور صورت می‌گرفت با مبانی مدرن آمیخته می‌شد.

دوم - متغیّر درونی:

برخی عواملی که فرهنگ را از درون تغییر می‌دهد عبارتند از: مکتب‌ها، ایدئولوژی، رشد جمعیت، انقلاب‌ها، میزان توسعه یافتگی، باز و بسته بودن جامعه، رسانه‌های داخلی، مطبوعات، آموزش و پرورش، قهرمانان، مهاجرت‌های درون کشوری. مثلاً مکتب‌های آسمانی از هم متمایز هستند و برخی مکتب‌های دیگر ساخته دست بشر است پس تنوع عقاید سبب تفاوت فرهنگ و عناصر آن می‌شود، چنانچه گفته شد فرهنگ را رفتارهای عینی و خارجی در جامعه شکل می‌دهد و منشأی این رفتار ابتدا در ذهن و افکار جامعه نمود پیدا می‌کند و سپس در عمل جاری می‌گردد. توسعه یافتگی و عدم توسعه یافتگی در سطح رفاه، بهداشت جامعه، خوراک، پوشاک، مسکن، درآمد و پس‌انداز جامعه تأثیر می‌گذارد و تمایز ایجاد می‌کند. باز و بسته بودن جامعه در میزان سرعت تغییرات و دگرگونی فرهنگ به شدت اثر می‌گذارد؛ یعنی جامعه بسته به علت شدت تعصب و پایین بودن میزان تعاملات اجتماعی باعث حفظ فرهنگ می‌شود.

برعکس در جامعه باز میزان تعاملات و مبادلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گسترده است این گستردگی موجب مبادلات فرهنگ و دگرگون شدن فرهنگ می‌شود. تاریخ و شرایط اجتماعی جوامع معمولاً برخی از مؤلفه‌های آداب و رسوم محلی یک جامعه را شکل می‌دهد و در فرهنگ نسل‌های بعدی آن تأثیرگذار است. قهرمان‌ها، شخصیت‌های افسانه‌ای، انسان‌های فرهمند در جامعه برخی از عناصر فرهنگی را می‌سازد. افزایش بالای ۲/۵ جمعیت موجب به هم خوردن توازن «طبقات سنی» یا به عبارت دیگر باعث تراکم و انباشت جمعیت در یک طبقه خاص سنی می‌گردد. در این صورت (طبق تحقیقات انجام شده

در کشور غربی) اگر میزان جمعیت پیر نسبت به جمعیت جوان یا نسبت زنان به مردان افزایش یابند، جریان اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری در جامعه به سمت محافظه‌کاری و سنت‌گرایی سوق پیدا می‌کند. برعکس اگر جمعیت جوان، متراکم و انباشته‌تر شوند، این جریان در جهت تجدید‌گرایی یا به تعبیر دیگر سنت‌گریزی هدایت می‌شوند. (دوورژه، ۱۳۷۶:۹۳).

در صورت برقراری تعادل «طبقات سنی» این دو تا جریان همدیگر را خنثی می‌سازند.

کنترل، گسترش، بقاء، ساماندهی، پویایی و نهادینه‌سازی فرهنگ در جامعه از طریق نهاد آموزش و پرورش کشور صورت می‌پذیرد. نقش رسانه‌ها در جهت همانندسازی گفتاری، لهجه‌ی اقوام مختلف، نوشتاری، کنترل ۶۰ درصدی افکار جامعه توسط رسانه اتفاق می‌افتد. سرانجام پس از بر شمردن متغیّرهای برونی و درونی فرهنگ و نیز ویژگی سیالی بودن، اکتسابی بودن، انتقالی بودن، تکاملی بودن، اجباری و اختیاری بودن فرهنگ از یک طرف و از طرف دیگر مسلم بودن خاصیت فرهنگ‌پذیری جامعه‌پذیری، خوی و خصلت‌پذیری انسان از هم نشینان و هم‌نوعان خویش سبب شده است که این دسته از تعاملات انسانی و اجتماعی در جوامع بشری یکی از فراگیرترین و پایدارترین شیوه‌ی انتقال، مبادله و اشاعه فرهنگ در عرصه فرهنگی محسوب شود.

یافته‌های پژوهش

معرفی برخی اجزاء و عناصر برجسته فرهنگ سنتی بوشهر (در سده گذشته) در حوزه موسیقی، سرودهای عامیانه و واژگان

با توجه به بندری بودن شهر بوشهر و ارتباط تاریخی آن با اقوام و ملل بیگانه که همواره از طریق دریا به آسانی امکان پذیر بوده، فرهنگ سنتی بوشهر در این برهه از زمان، تنها از عناصر محصور داخلی ساخته

نشده و عناصر دیگری که دارای منشاء غیر بومی می‌باشند نیز در مجموعه پیچیده آن نقش مهمی دارند. بنابراین ما این عناصر را به دو بخش بومی و غیربومی تقسیم و بررسی نموده ایم.

فرهنگ مجموعه باورها، بینش‌ها، ارزش‌ها، آداب و سنن، اخلاق، رفتار و اندیشه‌های پذیرفته شده و حاکم بر یک جامعه است. فرهنگ هویت بخش به انسان‌ها و هدایت‌گر جامعه به سوی فضیلت‌هاست.

نخستین معنا:

درچارچوب مردم شناختی یا جامعه شناختی مفهومی فراگیر است که مجموعه نگرش‌ها، اعتقادات، آداب و رسوم، عرف‌ها، ارزش‌ها و اعمالی را توصیف می‌کند که در هر گروهی مشترک یا مطرح است.

مبانی نظری پژوهش

- استفاده از نظریات اندیشمندان و صاحب‌نظران در مطالعات علمی، و نظریات مرتبط با موضوع پژوهش.
- شاین تعریف از فرهنگ و مفروض‌های مشترک آن.
- بالمر با نگرشی فرهنگی-اجتماعی به اقوام.
- تاریخچه فرهنگ ایران در امپراتوری پارسیان با تعریف از فرهنگ قومی.
- فرهنگ به روایت داود استادپور پژوهشگر در عرصه فرهنگ ایران باستان.
- آندره وارانیاک و آرنولدوان ژنیپ با تاکید بر این که فرهنگ عامه برپایه میراث و اصول تمدنی قدیمی و کهن بنا شده است.

عناصر فرهنگی با منشاء بومی

مهمترین عناصر فرهنگی با خاستگاه بومی عبارتند از: مراسم بزم عروسی سنتی، خیام خوانی، یزله، بیت خوانی، مراسم ساروج کوبی، خرمن کشی، گارا، روش‌های درمان سنتی، روش‌های درمان خرافی، جشن‌های مذهبی، نام گذاری فرزندان، عید تهلو (عید تهلکی)، شرود خوانی، مراسم تشییع جنازه سنتی، مجالس ترحیم، مراسم عزاداری سنتی شامل دمام زنی،

چارچوب نظری

باتوجه به اینکه نظرات مطرح شده در بالا هر یک بخشی از یک واقعیت فرهنگ و یا بعدی از ابعاد اجتماعی فرهنگ را تبیین می‌کنند و به تنهایی قادر به بررسی و تحلیل جامع پدیده مورد بررسی در تحقیق حاضر نیستند، بنابراین ترکیبی از نظریات مطرح شده را برای بررسی جامع تر و شناخت عمیق تر پدیده مورد بحث، به عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب کرده و متغیرهای اساسی تئوری‌های فوق را بررسی و سنجش پدیده مورد نظر به محک آزمون گذارده ایم، که چکیده نظرات استفاده شده به عنوان چارچوب نظری به شرح زیر می‌باشد:

براساس اعتقاد بسیاری از صاحب نظران، فرهنگی، فرهنگ از باورها، ارزش‌ها با مهارت‌های گوناگون قابل بررسی است و این امر موجب شده است، افزون بر این که آینده از جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... مورد بررسی قرار گیرد، وفاقی ملی در جهت تحقق آرمان‌های فرهنگی ایجاد شود عامل سوق دهنده اجتماع و مدیریت در جامعه می‌باشد (الوانی، ۱۳۷۳).

تعریف فرهنگ

فرهنگ روح همبستگی و تداوم حیات معنوی و وجدان عمومی یک ملت است. فرهنگ تداوم حیات تاریخی و عامل بقای یک جامعه در شرایط حال و آینده است. فرهنگ انسان‌ها را به گذشته تاریخی‌شان متصل و تکامل حیات آنان را در حال تضمین می‌کند. تعریف فرهنگ:

šam tu lāle...veri jā.m-e bendāz

چالچلی باد شمال...زیر بال مینار

čelčeley bā:d-e šomā:l... zir-e bāl-e meynā:r

رباب، رباب، رباب، رباب...حال رباب، خرابن

robāb , robā:b , robāben...hā:le robā:b ,
xerāben

در مراسم عروسی از «خیام خوانی» نیز استفاده

می‌شده است. البته خیام خوانی می‌توانسته در هر نوع

مراسم شادمانی اجرا شود.

رباعیات خیام یا اشعار مشابه، با وزن و آهنگی

شبهه به آن و همراه با صدای نی یا نوای فلوت و به

سبک خاصی خوانده می‌شده و با کف زدن مخصوص

نیز همراهی می‌گشته است (شریفیان ۱۳۸۳، ۴۶).

در مراسم عروسی، ختنه سوران و غیره یزله و بیت

خوانی نیز رایج بوده است. یزله به معنی رقص و

پایکوبی دسته جمعی و خواندن سرودهای عامیانه

محلّی است که بخش هائی از آن با نوعی کف زدن با

ضرباهنگ مخصوص توأم بوده است.

در یزله معمولاً از سرودهای زیر استفاده می‌کرده اند:

هیل الیوس، هیل یوسا

helel yo:ws hele yowsā

این قسمت معنای مشخصی ندارد و ظاهراً

می‌بایست از زبان‌های سیاهان آفریقائی گرفته شده

باشد.

غراب (جهاز) اوّمه، نفّ دُزّا!

γorāb uma na:fe dozā!

یعنی: کشتی بزرگ آمد، به نفع دزدها!

سیا سیای خودمون

γerib neyā dā:xelemu:n غریب نیا داخلمون

یعنی: سیاه همان سیاههای خودمان؛ غریبه به جمع ما

نیاید.

"ماشو!" کی گفته زن کنی؟...

māšu ki gofte zan koni

یعنی: "ماشاله!" (اسم خاص)، چه کسی گفته که تو

زن بگیری؟

سینه زنی و نوحه خوانی و تعزیه، مراسم چهارشنبه

سوری، مراسم نوروز، ابزارهای کشاورزی، ابزارهای

ماهگیری و گلافی، زبان و گویش، ورزش‌های باستانی

و بازی‌های محلی و بالاخره معماری سنتی.

در این جا به بررسی جزئیات چند نمونه از موارد

فوق می‌پردازیم:

در بزم عروسی به شیوه سنتی، دو شبانه روز بیابایی

جشن و سرور بر قرار بوده است. شب اول را «حنا

بندون» می‌نامیده اند و در آن شب، مراسم پایکوبی و

رقص و نوازندگی محلی تا صبح ادامه داشته است.

دعوت از مردم و همسایگان از طریق زن سلمانی

محل انجام می‌گرفته که این عمل را «طلبون» یعنی

«دعوت» می‌نامیده اند (احمدی ریشه‌ری ۱۳۸۲، ۴۳-۱).

ساز مورد استفاده بیشتر «نی مشکی» ney-e

maški یا «نی همبونه» ney hambuneh بوده که

«تنبک» نیز آن را همراهی می‌کرده است.

حاضران ترانه‌ها و سرودهای محلی و عامیانه را

زمزمه می‌کرده اند.

برخی از این ترانه‌ها عبارتند از:

آشخِ مرخصم بکن

ā šix morxesām bokon

می‌خوام برام خونه مون

mixām berām xune-mun

شنیدم بهمینی گردان می‌سازن

n:hmeni gordān misāze:šenidām ba

برای سربازا زندان می‌سازن

n.rbāzā zendān misāze:berāye sa

لا حول الله...لا حول الله

lā howlellā:...lā howlellā:

ما عروس عقد کردیم الحمدلله

mā arus a: γd kerdim alhamdolellā:

دختر خاله...ویری جام بناداز

doxtar xāle...: veri jā.m-e bendāz

شمع تولاله...ویری جام بناداز

<p>یعنی: بیا برویم به دره تَکُو (اسم مکان)، من آتش می آورم و تو تنباکو [بیاور]، [همراه با] قلیان چاق (آماده و سرحال) آن زن. دیگه نمی شام به کَهله... dige nemišām be ka:hle...</p>	<p>خودت اسیر غم کنی؟ xodet asir-e ɣam koni یعنی: خودت را گرفتار غم کنی؟ ماشو نه وخت زنتین māšu ne vaxt-e zeneten یعنی: "ماشاله" وقت زن گرفتن تو نیست.</p>
<p>ناخدا! یواش یواش، دَسّی شال و دَسّی کِباش، پاتیل ماسِ مَحَدِ عَباس... nāxodā yevāš yevāš, dassi šāl-o dassi qebāš, pātil-e mās-e mahdobās یعنی: ای ناخدا! آهسته آهسته بران! [با] یکدست شال و [با] یکدست قَبایش [راگرفته ام]، [با] دیگ ماست محمدعباس.</p>	<p>نه وخت جون کندنتن ne vaxt-e jun kandeneten یعنی: وقت جان کندن تو [حالا] نیست. سیا سیای خودمون siyā siyā-ye xodemu:n یعنی: سیاه، همان سیاه‌های خودمان. سفید نیا داخلمون sefid neyā dā:xelemu:n</p>
<p>دیگه نمی شام به کَهله نا نمی شام به کَهله صَلِّ عَلَی النَّبِیِّ ... یا هو... خار تو پامین xār tu pā:men یعنی: خار توی پایم است. نمی شامین nemišā:men</p>	<p>یعنی: سفید، به جمع ما نیاید. موعاشق سممبرام mo āšeq-e semamberām یعنی: من عاشق سممبر هستم. با پوی پتی ری منورام bā poy peti ri manverām یعنی: با پای برهنه، روی مَنُور (کشتی جنگی) هستم.</p>
<p>یعنی: نمی توانم یا تحملش را ندارم. بُو دَرِش با... نمی شامین! bow dereš bā!...nemišāmen! یعنی: بیاو آنرا در بیاور!...نمیتوانم! به هرحال بعد از بردن عروس به خانه داماد، در بعد از ظهر روز چهارم که «چار روزه» نامیده می‌شود، مجلس شادی و سرور می‌گیرند. این مجلس زنانه است. در این مراسم هم مثل خود عروسی، عروس را هفت (هفت قلم آرایش) می‌کنند و همه مدعوین عروسی هر یک به اندازه وسع و توانائی خود، هدیه‌ای به نام «رونما» برای عروس می‌آورند. البته باید توجه داشت که در فرهنگ سنتی مردم بوشهر، پای بندی به سنت‌ها بسیار شدید بوده و رعایت می‌شده مثلاً در ماه‌های محرم و صفر و حتی رمضان هر سال، بزم عروسی و ختنه سوران صورت نمی‌گرفته و همچنین</p>	<p>پس از پایان این قسمت، یزله خوان‌ها به طور دسته جمعی و با صدای بلند و کشیده می‌خوانند: «صَلِّ عَلَی النَّبِیِّ ... یا هو...» سپس قسمت دیگری از یزله به شکل زیر آغاز می‌شود: دیگه نمیشام-به کَهله dige nemišām be ka:hle یعنی: من دیگر به قلعه نمی روم. نا، نمی شام- به کَهله nā nemišām be ka:hle یعنی: نه، به قلعه نمی روم.</p>
	<p>بُو بیشیم تَنگ "تَکُو"، مَو تَش مارام تو تنباکو، کَهلون چاک زَنکو biyow bišim tang-e teku .mo taš mārām to tambāku, kahlun-e čāke zeneku</p>

از دمام در مراسم عزاداری سنتی و قبل از سینه زنی استفاده می‌شود. در مراسم دمام زنی از پنج یا هفت عدد دمام و یک عدد بوق مخصوص و چند عدد سنج کوچک برنجی استفاده می‌شود. یکی از دمام زن‌ها که نقش هدایت کننده گروه دمام زنان را دارد به نام «اشکون زن» شناخته می‌شود.

همچنین برخی واژگان و اصطلاحات بیگانه در سرودهای یزله عبارتند از:

سیریا سیریا

siriya siriya

هیلِ اَلْیوسِ هیلِ یوسا

helel yo:ws hele yowsa

هیلِ جُمبسیا he:le jombeysa

در ضمن واژه‌های بیگانه به تعداد زیادی در گویش محلی این برهه زمانی بوشهر رایج بوده است؛

به عنوان نمونه:

تیم [teym] یعنی وقت = time-انگلیسی

هوک [hūk] یعنی چفت و قلاب در اتاق = hook-

انگلیسی

لین [leyn] یعنی کوچه یا سمت و جهت = lane

یا line-انگلیسی (احمدی ریشه‌ی ۱۳۸۲، ۱۰:۱۵)

جک [jak] یعنی پارچ آبخوری = jug-انگلیسی

بیس [bi:s] یعنی قسمت اصلی و شاسی لنج = base-

انگلیسی

گلییر [goleyr] یعنی دروازه بان = goaler-انگلیسی

بُلت [bolt] یعنی مهره پیچ، سرب ماهیگیری = bolt

انگلیسی

سلیت سلیت [seleyt] یعنی قاج قاج = slice-

انگلیسی

[manvar] مَنوَرُ یعنی ناو جنگی = "man of war"

انگلیسی

[teyt] تَیْتُ یعنی سفت و محکم = tight-انگلیسی

در صورت فوت کردن یکی از بستگان عروس یا داماد، حداقل تا چهل روز و در مواردی تا چهار ماه و گاهی تا یکسال تمام از انجام مراسم عروسی خودداری می‌کرده‌اند.

بیت خوانی نیز عبارت است از خواندن بیت‌های خاصی با آهنگ شاد و مخصوص که توسط زنانی از نزدیکان عروس و داماد و یا توسط مطربان انجام می‌گیرد. این بیت‌ها بیشتر به وضعیت ظاهر عروس و داماد و زیبایی و برازندگی‌های آنها اشاره دارد و بعضاً به صورت خیالی و غیر واقعی و از زبان نزدیکان عروس و داماد بیان می‌شود.

مثلاً از زبان دوست و دستخوار عروس چنین می‌گویند:

خوم چه سازام، خوم چه سازام، دستخوارام
می‌برن...

xom če sázām , xom če sázām , dastxārām
mibere:n

بند حجکش، تند بی گیرام، راه دورش نبرن.

band-e he:jlaš tond bigi:rām , rāh-e du:reš
ne:bere:n

یعنی: چه کار کنم، چه کار کنم که دوست صمیمی
مرا می‌برند...

بند حجله اش را محکم بگیرم تا او را به راه دور
نبرند.

عناصر فرهنگی سنتی با منشاء غیربومی

مهمترین عنصر فرهنگ سنتی که دارای منشاء غیربومی می‌باشد مراسم دمام زنی است و عنصر مهم دیگر تعداد زیادی واژگان و اصطلاحات بیگانه است، که وارد گویش بومی بوشهری‌ها شده است. دمام ظاهراً توسط سیاهان آفریقائی که به صورت برده و غلام خریداری شده و توسط بازرگانان بوشهری به این شهر می‌آمده‌اند، وارد فرهنگ بوشهری‌ها شده است و ظاهراً با همان ریتم آفریقائی نیز نواخته می‌شود که برای شنوندگان هیجان زیادی ایجاد می‌کند.

سنت‌های بسیاری در طول زمان به دست فراموشی سپرده یا بسیار کمرنگ شده است نهادهایی چون پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، سایر نهادهای ذی ربط و پژوهشگران باید با بررسی و شناسایی و گردآوری آخرین بازمانده‌های عناصر فرهنگی این مرز و بوم امکان بررسی علمی و صادقانه ی نسل‌های آینده را فراهم سازند تا با درک پیشین‌ه فرهنگی، هنری و تاریخی‌شان، این عناصر فرهنگی را احیاء و ثبت میراث معنوی و ابقاء نمایند.

محدودیت‌های پژوهش

- نداشتن دسترسی به افراد کهنسال در راستای کسب اطلاعات موثق.
- نبودن پژوهش‌های کافی در زمینه فرهنگ سنتی بوشهر.
- تاثیر چشمگیر مهاجرین از نقاط مختلف به بوشهر و تاثیر آنان بر روی واژه‌های کهن.

منابع و مأخذ

ابراهیمی‌بای سلامی، غلامحیدر (۱۳۸۳). نقش نهاد دولت، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

احمدی ریشه‌ری، عبدالحسین. (۱۳۸۲). سنگستان - عقاید و رسوم عامه مردم بوشهر (دو جلد). انتشارات نوید. شیراز.

ابوالقاسمی، محمدجواد. (۱۳۸۵). شناخت فرهنگ. انتشارات عرش پژوه. تهران.

ازکیا، مصطفی و دیگران. (۱۳۸۲). روش‌های کاربردی تحقیق، جلد اول تهران، کیهان.

افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۶۹). نگاهی به بوشهر (دو جلد). انتشارات نسل دانش. تهران.

امیری صالحی، سیدرضا. (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. انتشارات ققنوس. تهران.

[bālūl] بالول، یعنی هواپیما=balloon- انگلیسی

[veyles] ویلیس، یعنی بی سیم= wireless - انگلیسی

[tomāte] تُماتِه، یعنی گوجه فرنگی=Tomate- آلمانی یا پرتغالی

[petāte] پَتاتِه، یعنی سیب زمینی=potato - انگلیسی یا پرتغالی

[leyzi] لیزی، یعنی تنبل=lazy- انگلیسی

[sowjer] سالِ سوجری، یعنی سال اشغال بوشهر توسط سربازهای انگلیسی=soldier- انگلیسی

[armāli] اَرمالی، یعنی کُمد قابل حمل - احتمالاً هندی [(پولادی ۱۳۸۰، ۴)

[jetti] جَتّی، یعنی اسکله=jetty- انگلیسی

[boye] بُوَیِه، یعنی چراغ دریائی=buoy- انگلیسی

[feyl] فیل، یعنی مردود= fail- انگلیسی

[espiyārt] عهد اسپارت، یعنی دوره پلیس جنوب ایران = (S. P. R.) South Persian Rifles - انگلیسی

[eskerāb] اِسکِرَاب، یعنی تمیز کردن بدنۀ لنج=scrub- انگلیسی

[šufēr] شوفر، یعنی راننده شخصی=chauffeur- فرانسه

[hafi:z] هَفیِز، یعنی دفتر کار، اداره=office - انگلیسی

در ضمن در فرهنگ سنتی بوشهر غذاهائی مثل پوکورا [pokowrā]

و پَتاتِه چاپ [petāte-čāp] وجود داشته که منشاء هندی داشته اند.

نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، فرهنگ‌ها، باورها، واژگان، سنتها و آیین‌های بسیاری از کشورهای آفریقا و زنگبار، هند و انگلستان که وارد فرهنگ بوشهر شده است هنوز به قوت خود باقی است و

- امیری صالحی، سیدرضا، عظیمی دولت آبادی، امیر. (۱۳۸۷). مبانی سیاستگذاری و برنامه ریزی فرهنگی. انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک. تهران.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۷۹). منشور اخلاقیات در کلام مولی علی (ع). ماهنامه تدبیر، شماره ۱۶۲.
- الوانی، سیدمهدی؛ حسن پور، اکبر؛ داوری، علی. (۱۳۸۹). تحلیل اخلاق سازمانی کارکنان با استفاده از الگوی دایره اخلاق. اخلاق در علوم و فناوری پاییز و زمستان ۱۳۸۹؛ ۵ (۴-۳): ۲۵-۳۴.
- بلادی، سید محمدرضا. (۱۳۷۵). مردم شناسی موسیقی بوشهر. سازمان میراث فرهنگی. بوشهر.
- بلادی، سید عبدالعزیز. (۱۳۷۹). ریشه شناسی واژه‌های منتخب "گویش بوشهری". بوشهر.
- بلاذری، احمدبن یحیی. (۱۳۶۴). فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران - ترجمه دکتر آذرتاش آذر نوش). انتشارات سروش. تهران.
- پولادی، فاطمه. (۱۳۸۰). ارزشهای بافت قدیم بوشهر از منظر سازگاری با شرایط اقلیمی. بوشهر. نشریه لیان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بوشهر.
- پولادی، فاطمه. (۱۳۸۹). قربانی کردن و خوراک محرم در فرهنگ مردم بوشهر. پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. تهران.
- پولادی، فاطمه. (۱۳۹۰). عزاداری زنانه و شوره در ماه محرم در فرهنگ مردم بوشهر. پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. تهران.
- پولادی، فاطمه. (۱۳۹۱). لالایی در فرهنگ مردم بوشهر. پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. تهران.
- پیرو، الن. (۱۳۶۷). فرهنگ علوم اجتماعی، باقرساروخانی، تهران، کیهان.
- حافظ نیا، محمد رضا. (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- خلف تبریزی، محمد حسین. (برهان) (۱۳۶۱). برهان قاطع (به اهتمام دکتر محمد معین). انتشارات امیرکبیر. تهران.
- دفت، ریچارد ال. (۱۳۸۵). تئوری و طراحی سازمان. جلد دوم، تهران: انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- رابینز، استیفن پی. (۱۳۸۵). مدیریت رفتار سازمانی. ترجمه فرزاد امیدواران.
- رضائی منش، بهروز. (۱۳۸۳). بررسی زیر ساخت اخلاقی در بخش خدمات عمومی ایران. پایان نامه دکترا، رشته مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رضایی، علی اکبر، زهره ای، محمدعلی. (۱۳۹۰). ابتکار عمل در برنامه ریزی و ارزیابی عملکرد فرهنگی. انتشارات شرکت بین المللی پژوهش و نشر یادآوران. تهران.
- رهر، مهدی. (۱۳۷۷). گمانه زنی گورستان شغاب. سازمان میراث فرهنگی. بوشهر.
- روح الامینی، محمود. (۱۳۶۸). زمینه فرهنگ شناسی. چاپ هشتم، تهران. عطار.
- ریتز، جورج. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه شناسی، ترجمه: ثلاثی، تهران.
- زاهدی، شمس السادات. (۱۳۷۹). مدیریت فراملیتی و جهانی، نگرش تطبیقی. تهران: انتشارات سمت.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۷). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سازمان ایرانگردی و جهانگردی استان بوشهر. (۱۳۸۰). سیمای سیاحتی استان بوشهر. انتشارات و موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر. تهران.
- شریفیان، محسن. (۱۳۸۰). گذری بر موسیقی سوگواری و مردم شناسی در آئین مذهبی بوشهر. سازمان میراث فرهنگی. بوشهر.

- شریفیان، محسن. (۱۳۸۱). اهل زمین، موسیقی و اوهام در جزیره خارگ. مرکز نشر و تحقیقات قلم آشنا. تهران.
- شریفیان، محسن. (۱۳۸۳). اهل ماتم، آواها و آئین سوگواری در بوشهر. انتشارات دیرین. تهران.
- شمس الدینی، مصطفی و عزیزی مال آخوند، هجیر. (۱۳۷۴). پژوهش مردم شناسی مراسم ماه محرم شهرستان‌های بوشهر و دشتستان). سازمان میراث فرهنگی. بوشهر.
- صبا، حسن. (۱۳۶۶). فرهنگ بیان اندیشه ها. نشر فرهنگ. تهران.
- طییبی، ج.، دلگشایی، ب.، همکاران. (۱۳۸۸). تدوین پایان نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله علمی، چاپ سوم. تهران، فردوس.
- فراجاد، محمد حسین. (۱۳۷۶). اصول و مبانی جامعه شناسی. انتشارات اساطیر. تهران.
- فرخ پور، پریش. (۱۳۸۱). گره چینی در بناهای تاریخی شهرستان بوشهر. مرکز آموزش عالی فرهنگیان فارس. شیراز.
- فقیهی، ابوالحسن؛ رضایی منش؛ بهروز. (۱۳۸۳). اخلاق اداری. فصلنامه مطالعات مدیریتی، شماره ۴۷. قلی پور، سیاوش. (۱۳۸۴). جهانی شدن و قومیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- کیا، منوچهر. (۱۳۷۳). تئوری‌های مدیریت و مدل‌های سازمان. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- کیوی، ریمون. (۱۳۷۹): روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر توتیا.
- گیوریان، حسن. (۱۳۷۹). نقش اخلاقیات در توسعه سازمان، تهران، فصلنامه مدیریت دولتی، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، شماره ۴۷: ۴۱-۳۵.
- گی، چاک. وای. (۱۳۸۲). جهانگردی در چشم اندازی جامع، ترجمه علی پارسائیان و محمد اعرابی، تهران،
- دفتر پژوهش‌های فرهنگی گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴). جامعه شناسی (ترجمه منوچهر صبوری). نشرنی. تهران.
- ماری، آن و دیگران. (۱۳۷۲). مفهوم نقش در روان شناسی اجتماعی، ترجمه ابوالحسن. سرو قد مقدم، مشهد، آستان قدس، معاونت فرهنگی.
- ماهنامه مهندسی فرهنگی سال، شماره ۳۹.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۶). مقدمات جامعه شناسی. نشر دوران. تهران.
- معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی معین. انتشارات امیر کبیر. تهران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۴). آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوارها در پاییز ۸۳، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- منصوری زاده، مرضیه. (۱۳۷۹). حضرت علی (ع) در مراسم و آئین‌ها و سنتهای مردم ایران (استان بوشهر) سازمان میراث فرهنگی. بوشهر.
- منصوری زاده، مرضیه و بلادی، سیدعبدالعزیز و شمس الدینی، مصطفی. (۱۳۸۰). پژوهش مردم شناسی فن آوری بومی و سنتی استان بوشهر. سازمان میراث فرهنگی. بوشهر.
- مصباح، محمدتقی. (۱۳۷۶). اخلاق در قرآن. تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری. - قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- میرسپاسی، ناصر. (۱۳۷۲). مدیریت منابع انسانی و روابط کار. تهران: مولف، چاپ دوازدهم: ۱۷-۱۶، ۵۲۷.
- میچل، ترنس. آر. (۱۳۸۳). مردم در سازمانها. ترجمه حسین شکرکن. چاپ سوم، تهران: انتشارات رشد.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۱). رفتارهای فرهنگی ایرانیان.
- هاشمی تنگستانی، جلال. (۱۳۵۶). بازیهای محلی استان بوشهر. اداره کل فرهنگ و هنر بوشهر.

هس مر، ا. ت. (۲۰۰۳). اخلاق در مدیریت. ترجمه:
سیدمحمد اعرابی و داوود ایزدی. (۱۳۸۲). تهران:
دفتر پژوهشهای فرهنگی.

هندی، چارلز. (۱۳۷۴). عصر سنت گریزی. ترجمه
عباس مخبر، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی.

هوی و میکسل. (۱۳۷۱). تئوری، تحقیق و عمل در
مدیریت آموزشی. جلد دوم، ترجمه میز محمد عباس
زاده، چاپ اول، انتشارات دانشگاه ارومیه.

ALEE: *sociologie des Animparis* 1878.

Arnold, Matthew, *cultyre and Anarechy*. (London.
Cambridge Universitypress, 1960).

Bartholomae, Christian: *Altiranisches Worterbuch*
BerlIN-1961.

Boyce, Mary: *ActaIranica* 9. E. J. Brill. Leiden-
1975.

Gignoux, Phillippe: *Glossaire des Inscriptions*
Pehlevies et Parthes. London-1972.

Jacson, A. V. Williams: *An AnAvesta Grammar*.
Stuttgart-1892.

Kent, Roland G: *Old Persian Grammar*. New
Haven. Part2. Wiesbaden-1974.

Reichelt, Hans: *Avesta Reader*. StraB-burg-1911.

http://wikipedia.org/wiki/cultural_diffusion.

<http://www.mim.gov.ir/article/f8-5.asp>.

<http://www.iran.culture.org>.